

## تأثیر بیمه بر مبنای مسئولیت ناشی از کالا

دکتر علی اصغر حاتمی<sup>(۱)</sup>

ام کلثوم گریوانی<sup>(۲)</sup>

### چکیده

با دگرگونی قواعد سنتی حقوق کلاسیک، مسئولیت مدنی در جهت حمایت بیشتر از زیان دیدگان و جبران بهتر خسارت‌های وارده بر آنها، با تحولات همراه بوده است. این روند بر اثر پیوند با بیمه وارد مرحله جدیدی شده است. ارتباط متقابل بیمه و مسئولیت مدنی بحث تازه‌ای است که نسبت به کشورهای پیشرفته محافل حقوقی در کشور ما کمتر به آن توجه کرده‌اند. در این مقاله یکی از آثار بیمه مسئولیت مدنی و تاثیر آن بر مبنای مسئولیت ناشی از کالا بررسی می‌شود.

### واژگان کلیدی

بیمه مسئولیت مدنی، مسئولیت ناشی از کالا، تضمین، امکان و توانایی اتخاذ بیمه کالاهای معیوب و زیانبار، فروشنده و تولیدکننده.

### مقدمه

گسترش صنعت و تولید روز افزون کالاهایی از قبیل لوازم خانگی، وسایل برقی، مواد دارویی و بهداشتی و... به همان اندازه که زندگی بشر را آسان تر کرده خطرهای بسیاری برای مصرف‌کنندگان به بار آورده‌اند. مسئول شناختن تولیدکنندگان و فروشندگان مقصر

در تولید و فروش این کالاها راهکاری است که حقوق سنتی با اعمال قواعد مسئولیت مبتنی بر تقصیر ارائه می‌دهد ولی این حوزه از حقوق حتی در آخرین تحول خود با اعمال قواعد مسئولیت محض توانسته است آن گونه که باید و شاید از مصرف‌کنندگان حمایت و خسارت وارده به آنها را جبران کند. پیدایش بیمه‌های مسئولیت و گسترش آن به حوزه مسئولیت ناشی از کالا، که نتیجه پیوند حقوق بیمه و حقوق مسئولیت مدنی است، تحولی نو در امر جبران خسارت زیان دیدگان کالاهای معیوب و زیانبار ایجاد کرده است. در بررسی‌های حقوقی نیز بدون توجه به واقعیت و قلمرو بیمه نمی‌توان اثر عملی مسئولیت مدنی را در جبران خسارت زیان دیدگان دریافت.

نقش اساسی بیمه مسئولیت در زمینه تسهیل جبران خسارت و کاهش هزینه‌های اقامه دعا و دادرسی و استقرار مسئولیت و در نهایت تشویق زیان دیدگان در مطالبه زیان وارده به خود، بر کسی پوشیده نیست ولی این پرسش باقی می‌ماند که آیا بیمه بر مبنای مسئولیت تاثیر دارد؟ به عبارت دیگر بیمه مسئولیت چه تاثیری بر مبنای مسئولیت مدنی، از جمله مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا در زمینه زیان‌های وارده به مصرف‌کنندگان کالاهای معیوب تولید شده و عرضه شده دارد؟

در این مقاله پس از پاسخ دادن به سوال فوق، به بحث درباره‌ی تاثیر وجود بیمه بر مبنای مسئولیت مدنی می‌پردازیم و آن گاه توانایی و امکان اتخاذ بیمه را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### اثر وجود بیمه مسئولیت

در بیمه‌های مسئولیت مدنی، خطر موضوع بیمه، ریسک ناشی از مسئولیت مدنی است و در واقع بیمه‌گر مسئولیتی را که به دنبال وقوع حادثه زیانبار برای بیمه‌گذار ایجاد می‌شود تحت پوشش بیمه‌ای قرار می‌دهد.

بر اساس قرارداد بیمه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار برای تحقق مسئولیت بیمه‌گر لازم است که مسئولیت بیمه‌گذار بر طبق قواعد و اصول مسئولیت مدنی محقق و مستقر شود، ولی در برخی از موارد عملکرد شرکت‌ها و موسسات بیمه - به ویژه در کشورهای متکی بر نظام سرمایه‌داری - حاکی از آن است که در پرداخت خسارت زیان دیده به ضرورت احراز مسئولیت بیمه‌گذار توجه نمی‌شود و حتی در مواردی که بیمه‌گذار هیچ تقصیری ندارد و یا تقصیر زیان‌دیده در ورود خسارت یا تشدید آن، امری مسلم و محرز است

گاهی به علت حسن شهرت، خسارت وارده به زیان دیدگان را جبران می‌کنند.<sup>(۱)</sup> علاوه بر این، برخی از حقوقدانان، بعضی از تأثیرهای بیمه مسئولیت را با عنوان «آثار نامرئی» مورد بحث قرار داده‌اند که از جمله پروسر و کیتون بیان می‌دارند:

تأثیر بیمه در کشورهایی که هیئت منصفه در سازمان قضایی خود دارند. به این ترتیب می‌باشد که هیئت منصفه تمایل به برگرداندن آرای قضات علیه خواندگانی دارد که دارای بیمه مسئولیت هستند، با این استدلال که شخصی که بدین ترتیب مسئول شناخته می‌شود مکلف به جبران خسارت نیست و خسارت زیان دیدگان را بیمه‌گر جبران می‌کند.<sup>(۲)</sup>

تأثیر دیگر بیمه بر مسئولیت مدنی در زمینه لغو مصونیت‌ها بوده است. در این محورهای می‌توان به لغو مصونیت‌های پدر و مادر در مورد صدمات وارده به فرزندان و لغو مصونیت بنیادهای خیریه‌ای که بیمه مسئولیت داشته باشد اشاره نمود. در توجیه آن نیز استدلال شده است که در مواردی که بنیاد خیریه بیمه مسئولیت داشته باشد اعمال مسئولیت بر بنیاد خیریه از تشویق سرمایه‌گذاری‌ها در این زمینه نمی‌کاهد و کار نیکوکاران را سرزنش‌آمیز نمی‌کند.

این مسائل باعث به وجود آمدن این توهم شده‌اند که در این موارد جبران خسارت مبتنی بر مسئولیت نیست بلکه مبتنی بر وجود بیمه مسئولیت است و این سوال را به وجود می‌آورد که آیا بیمه مسئولیت باعث تغییر مبنای مسئولیت از تقصیر به مسئولیت محض شده است؟ به این معنا که دادگاه‌ها می‌توانند در پرونده‌ها و زمینه‌های خاصی که معمولاً "بیمه مسئولیت تدارک دیده می‌شود، به راحتی مسئولیت را علیه خواندگانی اعمال کنند که بیمه دارند. در واقع آیا با وجود گسترش انواع بیمه به ویژه بیمه مسئولیت، مبانی و قلمرو قواعد حقوق تغییر یافته است؟

بدون تردید پاسخ به این سوال در هر نظام حقوقی و با توجه به واقعیات آن متفاوت خواهد بود. در نظام‌های حقوقی که در آنها قلمرو حقوق را قانون مدون قوه قانون‌گذاری مشخص می‌کند، پاسخ مثبت به این سوال مستلزم پذیرش قانون‌گذار و تصویب آن در مجلس قانون‌گذاری است، ولی در کشورهایی که حقوق آنها مبتنی بر رویه قضایی

1. William L. Prosser (1971), The law of Torts, West Publishing Co, Fourth Edition, P.548.

2. Prosser & Keeton (1984), The law of Torts, West Publishing Co; Fifth Edition, p.591.

محاکم است نظر قضات محاکم و ذکری که در آرای خود از بیمه به میان آورده‌اند پاسخ این سوال را مشخص می‌کند.

در کشورهای گروه اول، هنوز قانون‌گذار این روند را به طور رسمی تایید نکرده است و مشکل بتوان به این سوال پاسخ مثبت داد. ولی عده‌ای از حقوقدانان که طرفدار تغییر قلمرو حقوق شناخته شده‌اند در مورد اثر بیمه‌مسئولیت مبالغه می‌کنند و معتقدند که بیمه‌مسئولیت باعث تغییر مبناء مسئولیت مدنی از مسئولیت مبتنی بر تقصیر به مسئولیت محض (که در آن بدون توجه به عمل عامل زیان، صرف ورود خسارت باعث مسئولیت کسی می‌شود که ورود خسارت به او نسبت داده می‌شود) و در نهایت باعث تغییر قلمرو حقوق در همین زمینه شده است. دادگاه‌ها به صرف اینکه یک یا هر دو طرف بیمه هستند و بدون توجه به اینکه کدام طرف مقصر است باید حکم به جبران خسارت بدهند. همچنین گفته شده است که بیمه از قواعد تقصیر فرمول‌هایی ساخته است که براساس آن دادگاه‌ها بی دقت رأی صادر می‌کنند. این گروه در تایید و تقویت نظر خود به برخی از آرای دادگاه‌های عام<sup>(۱)</sup> استناد می‌کنند. از جمله در سال ۱۹۱۵ در قضیه *Pinto* در مقابل *Van Borkirk* در نبراسکا رأیی صادر شده که براساس آن کوتاهی یک جراح در گرفتن عکس از پای شکسته شخصی که طرف قرارداد با جراح بوده بی‌مبالاتی شناخته نشده ولی در سال ۱۹۴۷ در دعوی *Agnew* در برابر *City of Los Angeles* در کالیفرنیا در پرونده مشابهی این امر مورد توجه قرار گرفت که عمل درست جراحی مستلزم گرفتن عکس از پای مصدوم بوده و کوتاهی از این کار به خودی خود بی‌مبالاتی تلقی می‌شود.<sup>(۲)</sup> طرفداران تغییر قلمرو حقوق این تغییر در آرای دادگاه‌ها را به گسترش بیمه مسئولیت در طی این دو دهه نسبت داده‌اند. علاوه بر آرای دادگاه‌ها، این گروه به قاعده «شیء خود گویای واقعیت است»<sup>(۳)</sup> نیز استناد می‌کنند. این قاعده برای جواز جبران خسارت در مواردی به کار می‌رود که اثبات بی‌مبالاتی امکان ندارد یا اینکه اصولاً بی‌مبالاتی وجود نداشته باشد. در این نظریه، این قاعده به عنوان قسمتی از حرکت به سمت مسئولیت محض و ناشی از وجود و گسترش بیمه تحلیل شده است.<sup>(۴)</sup>

۱. کامن لو.

۲. همان کتاب، ص ۵۸۹.

3. *res ipsa laquitur* (thing speak for itself).

۴. همان کتاب، ص ۵۹۹.

در برخورد و ارزیابی اولیه از نظر این گروه باید توجه داشت که استناد تحولات حقوقی به وجود بیمه، هر چند به لحاظ نظری امری سهل است ولی نمی‌تواند به قیمت نادیده گرفتن نقش عوامل دیگر از جمله تغییر نگرش عمومی و عکس‌العمل قضایی در جهت حمایت از خواهان و همچنین توسعه علم و دانش صورت گیرد، علاوه بر اینکه در آرای دادگاه‌ها نیز نمی‌توان تاییدی بر نظر این گروه پیدا کرد. در مقابل این گروه، اکثر حقوقدانان در کشورهای مختلف ضمن پذیرش نقش بیمه در تسهیل جبران خسارت، منکر نقش گسترده آن به نحوی که طرفداران تغییر قلمرو حقوق بیان کرده‌اند، شده‌اند. از این جمله ویسکنت سیموندز<sup>(۱)</sup> در تعیین حقوق بین خواهان و خواننده، معتقد به نادیده گرفتن بیمه است. در توجیه این نظر توجه به این نکته لازم است که مبنای مسئولیت در دعوی مسئولیت مدنی این است که خواننده باید صدمه یا خسارتی را که خواهان متحمل شده است جبران کند.

آنچه در هر پرونده مسئولیت مدنی مهم است احراز این امر است که عمل خواننده باعث ورود خسارت به خواهان شده است. احراز این امر در کنار سایر شرایطی که حقوق مسئولیت مدنی لازم می‌داند ممکن است باعث محکومیت خواننده به جبران خسارت شود، ولی اگر عمل او باعث خسارت نشده باشد و در واقع رابطه علیت بین زیان وارده و عمل او برقرار نباشد حتی در صورتی که بقیه شرایط نیز فراهم باشند، وی مسئول شناخته نخواهد شد. در این میان وجود یا فقدان بیمه نمی‌تواند در به وجود آمدن خسارت یا جلوگیری از آن و جبران خسارت وارده نقشی داشته باشد (دعوی Co.Ltd Romford Ice and Cold Storage در مقابل Lister). در توضیح این مطلب لازم است اشاره شود که گروهی برای اساسی جلوه دادن نقش بیمه، استدلال کرده‌اند که کوتاهی خواننده از بیمه کردن مسئولیت خود در مقابل خواهان منشأی ورود خسارت به اوست.<sup>(۲)</sup> ولی باید توجه داشت که خسارتی که در اینجا موضوع استدلال این گروه قرار گرفته به موضوع خسارتی که به دنبال بیمه کردن آن و تأثیر نقش بیمه بر مبنای آن هستیم بی‌ارتباط است و تفاوت آن دو از بدیهیات است و از خلط آنها باید پرهیز کرد.

1. Viscount Simonds.

2. Peter Canc (1996), Tort law and economic interests, Oxford Clarendon Press, Second Edition,

قاضی ترینور<sup>(۱)</sup> یکی از معدود قضاتی است که به نقش بیمه در باب مسئولیت ناشی از کالا توجه کرده است. وی در سال ۱۹۴۴ استدلال خود را بر این مبنا اظهار کرده که از آنجا که تولید کننده و فروشنده می‌توانند مسئولیت خود را بیمه کنند و خسارت را بین عموم سرشکن نمایند می‌توان اعمال مسئولیت محض را نسبت به آنها موجه دانست (دعوی Escola در برابر Coca Cola Bottring Co.).

مسئولیت ناشی از کالا در دهه‌های اخیر به لحاظ ارتباطی که بانظم عمومی پیدا کرده است در مقایسه با سایر مقولات مسئولیت مدنی، وضعیت متفاوت و خاصی پیدا کرده است. در این زمینه قضات محاکم در کشورهای مختلف و با توسل به عوامل مختلف سعی کرده‌اند که تولید کننده و فروشنده کالای معیوب و زیانبار را به طور عینی و محض مسئول جبران خسارت وارده به مصرف کننده تلقی کنند.

اینان در آرای خود به تفصیل به توجیه این امر پرداخته‌اند که آنچه از مجموع آرای آنها و تلاش‌های حقوقدانان در این زمینه به دست می‌آید بیانگر این امر است که این تحول تا حد زیادی ناشی از تغییر نگرش عمومی در جهت حمایت از مصرف کننده است و در این مورد بر این عقیده‌اند که نباید به گونه‌ای عمل کرد که خواهان متضرر، شانس جبران خسارت را از دست بدهد. در عین حال نمی‌توان نقش بیمه مسئولیت را در این تحول نادیده گرفت. بنابراین به نظر می‌رسد که لازم است تا نقش عوامل مختلف در این زمینه به صورت جداگانه بررسی و ضمن روشن شدن مطلب، سهم بیمه مسئولیت نیز در این رابطه آشکارتر شود.

به این دلیل بین عواملی که در دامنه و قلمرو خطرهایی که بر موضوع تضمین بیمه مسئولیت موثرند و عواملی که بر خود تضمین موثرند، تفاوت گذارده می‌شود. به این معنا که نتیجه تحولات مسئولیت مدنی در جهت حمایت از زیان دیده، گسترش قلمرو و دامنه خطرهای قابل پیش بینی و قابل پوشش به وسیله بیمه مسئولیت است. در واقع تحولات مسئولیت مدنی از اصول بی‌مبالاتی به فرض تقصیر و مسئولیت محض در جهت گسترش قلمرو خطرهایی است که زیان دیده در مقابل آنها نیاز به حمایت دارد، ضمن آن که لزوم حمایت از خواهان زیان دیده، ناشی از کاستی‌های قواعد سنتی و سابق مسئولیت مدنی در این زمینه نیز هست. آنچه بیمه مسئولیت در آن نقش اساسی ایفا

می‌کند تسهیل جبران خسارت بعد از تحقق خطرها و ایجاد تضمین در این مورد است. لذا حقوق‌دانان نتیجه گرفته‌اند که بیمه مسئولیت، مسئولیت ایجاد نمی‌کند بلکه در جایی که مسئولیتی به وجود می‌آید تضمین برای جبران خسارت را مقرر می‌دارد.<sup>(۱)</sup>

آنچه در ارزیابی این دو نظر گفته شد به این معنا نیست که بیمه اثری بر مبنای مسئولیت مدنی ندارد بلکه ممکن است قاضی تحت تأثیر این واقعیت که یک یا هر دو طرف در دعوی مسئولیت مدنی، دارای بیمه هستند به اتخاذ تصمیم خاصی تشویق شود. البته با توجه به اینکه قاضی مجبور است که رای خود را بر اساس قواعد سنتی حقوق و اصول پذیرفته شده قانونی توجیه کند و همانطور که اشاره شد اصل توجه به وجود بیمه در دعوی مسئولیت مدنی را قانون‌گذار رسماً "پذیرفته است، قاضی فقط در صورتی از صدور رای خود اطمینان خواهد داشت که نتیجه‌ای که با در نظر گرفتن بیمه مسئولیت به دست می‌آید بر اساس قواعد سنتی مسئولیت مدنی توجیه‌پذیر باشد. آنچه در باب تأثیر وجود بیمه مسئولیت بر مبنای مسئولیت گفته شد مانع از توجه به این واقعیت نمی‌شود که امروزه با گسترش بیمه‌های بدون تقصیر در حوزه‌های مختلف و به ویژه مسئولیت ناشی از کالا، دیگر نمی‌توان با اطمینان نقش بیمه را منحصر به تسهیل جبران خسارت دانست.

در این نوع بیمه، که برای جبران صدمات و خسارت‌های ناشی از عامل زیان، بدون توجه به تقصیر وی، علیه شرکت بیمه اقامه دعوا می‌شود<sup>(۲)</sup>، در واقع بیمه‌گر، جبران خسارت ناشی از موضوع بیمه را صرف نظر از تقصیر یا عدم تقصیر بیمه‌گذار، بر عهده می‌گیرد. توسعه این نوع بیمه‌ها ممکن است معادله را به نفع طرفداران تغییر قلمرو حقوق تغییر دهد، زیرا این نوع بیمه‌ها، قواعد مسئولیت مدنی اعم از قواعد سنتی مسئولیت مدنی و قواعد پذیرفته شده بوسیله قانون‌گذار را، لاقلاً تا اندازه‌ای که خسارت به موجب آن پرداخت می‌شود، بی‌اثر می‌کند.

### توانایی و امکان اتخاذ بیمه

بر خلاف مبحث سابق که در آن سخن از تأثیر وجود بیمه بر مبنای مسئولیت مدنی بود و

۱. همان کتاب، ص ۵۹۳ - ۵۹۴.

2. Henry Campbell Black, Black's Law Dictionary, West Publishing Co; Fifth edition.

این نتیجه حاصل شد که علی‌رغم آن‌که بیمه موجب تسهیل جبران خسارت در مرحله تصفیه و پرداخت خسارت می‌شود، ولی هیچ‌گاه وجود بیمه، مسئولیت ایجاد نمی‌کند. در این مبحث سخن از مرحله‌ای پیشتر از وجود بیمه است و دو پرسش مطرح می‌شود:

۱. آیا در یک دعوای مسئولیت مدنی، قابلیت و توانایی بیمه کردن بر تعیین حقوق دو طرف موثر است یا نه؟

۲. آیا امکان و توانایی اتخاذ بیمه یا عدم آن می‌تواند دلیلی باشد که قانون‌گذار با مدنظر قرار دادن آن، به تحول قواعد مسئولیت مدنی در جهت ایجاد مسئولیت محض پردازد و دادگاه‌ها با در نظر گرفتن آن، در اعمال قواعد مسئولیت محض تردید کنند و یا اینکه حداقل با احتیاط برخورد کنند؟ به این معنا که در صورتی که تولیدکننده یا فروشنده کالا امکان بیمه کردن مسئولیت خود را نداشته باشد قواعد مسئولیت محض در مورد او اعمال نشود؟

در ارتباط با پاسخ سوال اول و در ادامه مبحث پیشین، این بحث مطرح می‌شود که در یک دعوای مسئولیت مدنی از جمله مسئولیت ناشی از کالا، صرف‌نظر از وجود بیمه و با این فرض که هیچ‌کدام از طرفین پوشش بیمه‌ای ندارند و یا یکی از دو طرف پوشش بیمه دارد، این واقعیت که یک طرف توانایی و امکان اتخاذ بیمه را داشته و اقدام نکرده است بر حقوق او در دعوا تأثیر دارد یا نه؟ در این مورد به لحاظ نظری و فارغ از واقعیات عملی به طور مثبت می‌توان استدلال کرد و معتقد شد در فرضی که هر دو طرف فاقد بیمه باشند طرفی مسئول است که قابلیت بیمه کردن داشته است. در فرضی که یکی از آنها فاقد بیمه است، وصف قابلیت بیمه کردن او ممکن است بر مسئول شناخته شدن وی موثر باشد ولی در عمل و در مواجهه با پرونده‌های مسئولیت تولیدکنندگان و فروشندگان کالا نمی‌توان به این سادگی و با توجه به قابلیت بیمه کردن به تعیین حقوق طرفین دعوا پرداخت، زیرا: اولاً، این واقعیت که یکی از طرفین بیمه نشده بهترین دلیل است بر اینکه بیمه در دسترس وی نبوده و توانایی و امکان بیمه کردن نداشته است. هر چند این بیمه نکردن ناشی از دلایل دیگری باشد ولی در اینجا به عنوان اصل گفته می‌شود که کسی که بیمه را اتخاذ نکرده در واقع توانایی و امکان بیمه کردن نداشته است. به علاوه، ضابطه درستی در مورد مفهوم توانایی و امکان قابلیت بیمه کردن وجود ندارد و هنوز دادگاه‌ها در مورد اینکه آیا وقتی در بازار بیمه یک نوع خاص مسئولیت وجود دارد باید بیمه را در دسترس محسوب کرد یا اینکه باید شرایط دیگر از جمله وضعیت



بیمه‌گذار را نیز در نظر گرفت، پاسخ روشنی نداده‌اند و برخی از محاکم در مورد هر یک از معیارها از جمله وضعیت اقتصادی و حتی در نظر گرفتن هزینه‌های اجرایی بیمه‌را، اموری نسبی تلقی کرده‌اند که هیچ کدام نمی‌تواند نقش قطعی داشته باشد. ثانیاً، ضابطه امکان بیمه شدن فقط در جایی می‌تواند راهنما و روشن‌گر باشد که یک طرف دعوا بتواند از پوشش بیمه‌ای استفاده کند و طرف دیگر فاقد این قابلیت باشد، ولی در جایی که هر دو طرف می‌توانسته‌اند بیمه شوند و هر دو چنین قابلیت داشته‌اند نمی‌تواند معیاری در تعیین حقوق طرفین دعوا باشد. ثالثاً، هر چند این بحث در زمینه دعاوی مثل دعاوی مسئولیت رانندگان وسایل نقلیه، که مسئولیت رانندگان هر دو وسیله نقلیه مطرح می‌شود، که مکلف به بیمه کردن مسئولیت خود هستند ممکن است فایده‌ای داشته باشد، در مورد دعاوی مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا، که در هر صورت فقط مسئولیت خوانده دعوا موضوع بحث است، موضوعیتی ندارد. توضیح اینکه در این مورد قابلیت بیمه کردن خوانده دعوا (قابلیت اتخاذ بیمه مسئولیت ناشی از کالا)<sup>(۱)</sup> در مقابل قابلیت بیمه کردن زیان‌بار ناشی از خطا یا تقصیر تولیدکننده یا فروشنده کالا است نمی‌توان خریدار را ملزم به بیمه کردن کالایی دانست که خریداری می‌کند. بنابراین، با توجه به اینکه در مبحث سابق نیز گفته شد که وجود بیمه مسئولیت، مسئولیت ایجاد نمی‌کند، به طریق اولی قابلیت بیمه کردن نیز تاثیری بیشتر از وجود بیمه نخواهد داشت. ولی از جنبه منفی، که آیا فقدان قابلیت بیمه کردن در دعاوی مسئولیت موثر است یا نه، امری است که ضمن پاسخ به سوال دوم به آن پرداخته می‌شود.

در پاسخ به سوال دوم می‌توان چنین استنتاج نمود که این سؤال بیشتر در مورد کالاهایی مطرح می‌شود که در بیشتر موارد به دلیل پیشرفت ناکافی علم و فن‌آوری، خطرهای آنها برای تولیدکنندگان کشف نشده و متخصصان و پژوهشگران راجع به ماهیت و عواقب این خطر اطلاعات علمی دقیق و قابل اعتمادی ندارند. خصوصیت عمده این کالاها در بحث مورد نظر ما این است که در صورتی که چنین کالاهایی موجب خسارت به مصرف‌کنندگان شوند اعمال مسئولیت در مواردی به قدری سنگین است که باعث از بین رفتن صنعت تولید و عرضه این کالاها می‌شود. از سوی دیگر، به دلیل

1. Product Liability insurance.

2. First party insurance.

ناشناخته ماندن ماهیت این کالاها در جهان علم، پوشش بیمه‌ای مناسبی برای در برگرفتن همه خطرهای و عواقب آنها برای تولیدکننده ارائه نشده است. نمونه بارز این مشکل در زمینه تولیدکنندگان DBS در هلند اتفاق افتاد که در این پرونده تولیدکنندگان در مقابل قربانیان که بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر بودند مسئول شناخته شدند و دادگاه استدلال خواندگان را در مورد عدم کفایت پوشش بیمه‌ای و فاجعه امیز بودن اعمال مسئولیت محض وارد ندانست. بیمه‌گران در مواجهه با چنین خطرهایی واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهند که در مجموع حاکی از این است که تولیدکننده چنین کالاهایی قابلیت بیمه کردن این خطرها را ندارد. در مواجهه با این ریسک‌ها بعد از مدت‌ها که بیمه‌گران در پوشش دادن آنها با احتیاط برخورد می‌کردند، بر اثر تحولات مسئولیت مدنی و توسعه بیمه مسئولیت ناشی از کالا سعی کرده‌اند که با ارزیابی میزان ریسک، پوشش مناسبی نیز ارائه دهند ولی این پوشش از دو جهت محدودیت دارد: ۱. چون ارزیابی بیمه‌گران بر اطلاعات دقیقی مبتنی نیست و در اکثر موارد مقرون به صحت هم نیست، با تحقق خطر موضوع بیمه، بیمه‌گران با مشکلات عدیده و در مواردی با ورشکستگی مواجه می‌شوند که باعث بی اعتباری سایر بیمه نامه‌های صادره می‌شود؛ ۲. بیمه‌گران از طریق شرط‌های محدودکننده مسئولیت و یا افزایش حق بیمه سعی می‌کنند ضمن ارائه واکنش مناسب همراه با پیشرفت ریسک‌های صنعتی و قانونی، خود را از خطر ورشکستگی مصون دارند. مجموع این مسائل این پرسش را به وجود می‌آورد که قانون‌گذار و محاکم چه راه‌حلی می‌توانند در پیش گیرند و عملکرد آنها باید چگونه باشد؟ با توجه به ماهیت دوگانه این مسئله، راه‌حلی نیز که ارائه می‌شود نمی‌تواند بدون توجه به یکی از آنها باشد. بنابراین، ابتدا عملکرد قانون‌گذار و قضات محاکم را بررسی می‌کنیم و سپس به راه حل این قضیه از نظر موسسات بیمه می‌پردازیم.

قانون‌گذار می‌تواند در هنگام وضع قواعد مسئولیت در کنار حمایت از زیان دیدگان این‌گونه کالاها و به منظور حمایت از صنعت و تولید، به قابلیت بیمه کردن این‌گونه کالاها توجه کند. در این راستا در مواردی که قابلیت بیمه کردن و یا پوشش کامل خطرهای ناشی از کالاهای زیان آور وجود ندارد، در اعمال قواعد مسئولیت محض محتاطانه عمل کنند، که ممکن است این امر ظاهراً "با هدف قانون‌گذار در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان و زیان دیدگان ناشی از این‌گونه کالاها، منافات داشته باشد. لذا پیش‌بینی یک نظام تأمین و رفاه اجتماعی راه حلی است که در آن دولت در برابر اخذ مالیات از

مردم، تضمین اجتماعی را بر عهده می‌گیرد و خسارت وارده به این قشر را جبران می‌کند. دادگاه‌ها نیز می‌توانند در مواردی که مسئولیت ناشی از کالاهای زیانبار را موسسات بیمه پوشش نمی‌دهند، با کسی که به دنبال به دست آوردن چنین پوشش بیمه‌ای است و شانس به دست آوردن آن را ندارد با احتیاط برخورد کنند و با توجه به قواعد انصاف، تولید کنندگان چنین کالاهایی را با نابودی و خطر ورشکستگی مواجه نکنند. بدیهی است که در مقایسه با عملکرد قانون‌گذار، محاکم با محدودیت بیشتری مواجه هستند. بررسی رویه قضایی در کشورهایی که نظام حقوقی آنها مبتنی بر آرای دادگاه‌هاست بیانگر آن است که با وجود اینکه در ابتدا به نظر می‌رسد که قضات در اعمال مسئولیت‌های سنگینی که تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرد یا به‌طور کامل پوشش داده نمی‌شود بی‌میل هستند ولی اثبات و احراز یک رویه در این زمینه مشکل است، زیرا پذیرش چنین امری به صورت یک قاعده در محاکم، که در موارد مشابه نیز اتخاذ شود، ممکن است در مواردی که احتمال گسترش ریسک وجود دارد و یا در مورد بیماری‌های خطرناک ناشی از مصرف برخی از داروها، عواقب خطرناکی به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، حتی قضاتی که به این مسئله توجه دارند قابلیت بیمه کردن در حد تقویت نتایجی را که بر اثر اعمال قواعد مسئولیت مدنی به آن رسیده‌اند در نظر می‌گیرند.

قسمت دوم این واقعیت و راه حل از نظر پوشش بیمه‌ای و واکنش بیمه‌گران در ارائه پوشش ناکافی برای این گونه خطر‌هاست. راه حلی که برای حمایت از زیان دیدگان و حفظ و حمایت از صنعت و تولید قابل اتخاذ است به تقویت پوشش‌های بیمه‌ای از طریق به دست آوردن اطلاعات دقیق و قابل اعتماد در مورد خطر پذیرش یک مسئولیت و گسترش بیمه‌های تکایی اشاره دارد.

### نتیجه‌گیری

در زمینه تأثیر بیمه مسئولیت بر مبنای مسئولیت ناشی از کالا، گرچه تأثیر بیمه بر مسئولیت مدنی از نظر تسهیل جبران خسارت و کاهش هزینه‌ها، اقامه دعوا، دادرسی و غیره امری انکارناپذیر است ولی وجود و امکان ارائه پوشش بیمه‌ای مسئولیت هیچ‌گاه مسئولیت ایجاد نمی‌کند بلکه در مواردی که مسئولیتی تحقق پیدا می‌کند باعث تسهیل جبران خسارت می‌شود. هر چند قاضی محکمه ممکن است تحت تأثیر وجود بیمه به اتخاذ تصمیم خاصی تشویق شود، ولی از دیدگاه حقوقی فقط زمانی می‌تواند در رای

خود به چنین نتیجه‌ای استناد کند که براساس قواعد مسئولیت مدنی توجیه‌پذیر باشد. قابلیت بیمه کردن به عنوان یک بحث مهم در این زمینه، در تعیین حقوق طرفین دعوای مسئولیت ناشی از تولید و عرضه کالا تأثیری ندارد ولی در باب تولید و عرضه کالاهای خطرناک و زیانبار در صورت پذیرش قانون‌گذار، می‌تواند در مواردی که تولیدکننده و فروشنده کالا امکان بیمه کردن مسئولیت خود را ندارند نقش مهمی ایفا کند. محاکم نیز تحت تأثیر این اصل در مواردی که تولیدکننده امکان بیمه کردن مسئولیت خود را ندارد در اعمال قواعد مسئولیت محض با احتیاط عمل می‌کنند، ولی همچنان در صورتی می‌توانند به چنین نتیجه‌ای در رای خود استناد کنند که براساس قواعد مسئولیت مدنی موجه باشد. در هر حال، بیمه‌گران می‌توانند با کاهش و از بین بردن مشکلات احتمالی خود در زمینه ارزیابی ریسک ناشی از کالاهای زیانبار و اصلاح راهکارهای مربوط به مدیریت ریسک و گسترش بیمه‌های اتکایی، تولیدکنندگان عرضه‌کنندگان این کالاها را در به دست آوردن پوشش بیمه‌ای مناسب یاری دهند.

### منابع

1. Black, Henry Campbell, Black's Law Dictionary, West Publishing Co, Fifth Edition.
2. Cane, Peter (1996), Tort law and economic interests, Oxford; Clarendon Press; Second Edition.
3. Franklin. Marc A. (1971), Injuries and Remedies, The Foundation Press, Inc.
4. Prosser, William L. (1971), Handbook of the Law of Torts, West Publishing Co, Fourth Edition.
5. Prosser & Keeton (1984), The Law of Torts, West Publishing Co Fifth Edition.
6. Spier, JAAP (1.1999), Tort law and liability insurance, influences and interactions, Revue Hellenique de droit in international.